

تحول اخلاقی و دیگر دوستی نوجوانان

«سرآمد» و «عادی»

پایان نامه کارشناسی ارشد: نوراله محمدی، استاد راهنما: دکتر پریخ دادستان
دانشگاه تربیت مدرس - گروه روانشناسی، استاد مشاور: دکتر محمود منصور

چکیده

«دیگر دوستی»^۱ که در بطن رفتارهای اجتماعی «اجتماعی گرا»^{۱۷} قرار دارد، نوعی احساس انسان دوستی و فضیلت توأم با هیجان است که گاهی در فرد ظاهر می گردد تا دیگران را از توان مادی و معنوی خود، بدون هیچ چشمداشتی بهره مند سازد. در این پژوهش، از بین دو جامعه تحقیق دانش آموزان دوم راهنمایی، اول و سوم دبیرستان مدارس دولتی و سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان در تهران، دو گروه دانش آموز عادی (۱۲۰ نفر، ۶۰ پسر و ۶۰ دختر) و سرآمد (۱۲۰ نفر، ۶۰ پسر و ۶۰ دختر) بطور تصادفی انتخاب شده اند. در این پژوهش از ابزارهایی چون فرم «ب» از مقیاس «دو» آزمون هوش «کتلی» و فرم «ب» «تست تحول اخلاقی» «ما»^{۱۲} استفاده گردیده است. با این همه، نتایج این پژوهش نشان دادند که عواملی چون «هوش»، «موقعیت ها»، «روابط انسانی»^۷ و «تحول اخلاقی»^{۱۴} در سطح گرایش «دیگر دوستی» تاثیر دارند.

کلید واژه ها: دیگر دوستی، اجتماعی گرا، تحول اخلاقی، سرآمد، نوجوان

○

○

○

● مقدمه

با استناد به مجموعه پژوهش هایی که در علوم مختلف صورت گرفته، هنوز نمی توان گفت که نظریه های علمی از پیش بینی های فلسفی آزاد بوده اند. بنابراین، تفکرات و مفاهیم فلسفی نقش نهفته مهمی را در حوزه های علمی، به خصوص علوم انسانی که اخلاق در قلمرو آن قرار دارد ایفا می کنند.

بدین ترتیب، هرگاه سخن از تفحص فلسفی محض به میان می آید. حاصل آن هنجارها، اصول و ارزش هایی هستند که عالم به اخلاق، با آنها سر و کار دارد. در این صورت است که ترکیب سازمان یافته و با هدف آنها منجر به ایجاد «نظریه اخلاقی» در سطح فلسفی می گردد. در مقابل این گونه بررسی اخلاق، بررسی علمی اخلاق به گونه تجربی واقع شده است. در این وضع. پژوهشگر با روش ها، داده ها و نتایج مواجه است. بدیهی است که جمع بندی این نتایج واجد اعتبار، به ایجاد «نظریه اخلاقی» در سطح علمی منتهی خواهد شد (کارتینز^۱، ۱۹۹۰).

در سالهای اخیر، پژوهشگران زیادی در سراسر دنیا به تحقیق و بررسی علمی اخلاق روی آورده اند. گرچه هنوز، نظریه علمی قطعی در این باره به چشم نمی خورد، اما آنها توانسته اند داده ها و نتایج مهمی را به دست دهند و راه را برای محققان بعدی هموار ساخته و زمینه را برای دستیابی به «نظریه علمی» در قلمرو اخلاق مساعد سازند.

○ گرایش دیگر دوستی^۱

در اساس «رفتارهای اجتماعی گرا» آن گونه رفتارهایی هستند که در نفس خود با ایثار، سخاوت، امدادگری، کمک دهی و یا

گذشتن از جان مرتبطاند. «دیگردوستی» که در بطن رفتارهای اجتماعی گرا قرار دارد، نوعی احساس انسان دوستی و فضیلت توأم با هیجان است که گاهی در فرد ظاهر می‌گردد تا دیگران را از توان مادی و معنوی خود، بدون هیچ چشمداشتی بهره‌مند سازد. «راشتون»^{۱۸} (۱۹۸۰) معتقد است که: «دیگردوستی عبارت است از پاره‌ای رفتارها که در نوع خود با ارزش هستند و در عین حال که برای دیگران بیشتر مفید فایده‌اند، هیچ‌گونه پاداش مادی و یا اجتماعی برای شخص دیگر دوست به دنبال ندارند.»

با این همه، به نظر می‌رسد که چنین رفتارهایی فاقد انگیزه‌های درونی روشن هستند، اما یک ردیف انگیزه درونی وجود دارند که سبب می‌گردند تا شخص دست به رفتارهای دیگر دوستانه بزند: تایید دیگران، تقلیل اضطراب و نگرانی حاصل از مشکلات دیگران، جبران لطف و احسان دیگران، کاهش احساس گناهکاری، ترس از شکست و درماندگی و افزایش اعتبار خود نزد دیگران (پرای^{۱۹} و دیگران، ۱۹۸۴).

افزون بر این، همدردی که نوعی تجربه هیجانی است در مطالعه رفتارهای اجتماعی گرا، به خصوص دیگر دوستی، یک فکر مهم و اساس محسوب می‌شود. در این صورت هم احساسی و همدردی از جمله انگیزه‌های روشن گرایش‌های دیگر دوستانه قلمداد می‌شوند. در واقع، می‌توان گفت، وقتی یک حالت هیجانی همدردی بین دو شخص «الف» و «ب» بوجود می‌آید که شخص «الف» احساسات خود را با احساسات شخص «ب» جور نماید. این جور نمایاندن هیجان، می‌تواند بطور مستقیم بر اثر علائم خاصی که شخص «ب» که در حالت استیصال است، ناشی شده باشد و یا با واسطه آگاهی هشیارانه شخص «الف» از وضعیت استیصال شخص «ب» بوجود آید. به نظر می‌رسد که این گونه تجربه‌های هیجانی بین نوزادهای انسان و یا در حیوانات براساس علائم مستقیم بوجود می‌آیند (راشتون، ۱۹۸۰).

با این حال، در پژوهش‌های متعددی «بارتال» (۱۹۷۶)، «باراش» (۱۹۷۷) «لیدنز» (۱۹۶۳) به نقل از «ما» (۱۹۹۲) که در مورد گرایش دیگر دوستی صورت گرفته، معیارهایی نیز برای تعیین حدود رفتار دیگر دوستانه به دست داده شده‌اند:

الف) عدم چشمداشت به پاداش.

ب) ارزشیابی مثبت دیگران از آن رفتار.

د) رساندن فایده، که واجد سه شرط اساسی است:

۱. تسهیل در تحول شناختی، اجتماعی و عاطفی و حصول به مهارت‌های اجتماعی.

۲. افزایش رضامندی در نیازهای بنیادی روانشناختی، مانند نیازهای فیزیولوژیکی، ایمنی، تعلق پذیری، عشق، خود تحقق دهی و حرمت خود.

۳. کمک به حفظ و استقرار هیجان.

روشن است که بین انسان‌ها روابط و مبادلات زیادی صورت می‌گیرد و ادامه حیات انسان مستلزم وجود چنین روابط پیچیده و متنوعی است. «ما» (۱۹۹۲) معتقد است که روابط انسانی در گرایش دیگر دوستانه تاثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر، دیگر دوستی در روابط انسانی از سلسله مراتب خاصی پیروی می‌کند:

- مرتبه اول: بستگان درجه اول و خویشاوندان نزدیک.

- مرتبه دوم: دوستان صمیمی.

- مرتبه سوم: غریبه‌ها، غریبه‌های سالخورده وضعیف یا کودکان خردسال و همچنین بزرگان علمی و مذهبی جامعه.

- مرتبه چهارم: غریبه‌های عادی و رهگذر.

- مرتبه پنجم: دشمن یا شخصی که ایجاد تنفر می‌کند.

این مراتب، به خوبی نشان می‌دهند که میزان و جهت روابط با یک فرد خاص را با توجه به سلسله مراتب روابط انسانی می‌توان مشخص کرد. در واقع، به نظر می‌رسد که آن فرد جزء گروه مرتبه اول باشد، جهت و میزان رابطه دیگر دوستی، مثبت و در حداکثر است. اما با توجه به نتایج این پژوهش‌ها می‌توان دو نکته اساسی را روشن ساخت:

□ در وهله اول میزان و جهت روابط، به درجه وابستگی ژنتیکی ارتباط دارد. زیرا، احتمال «رفتار دیگر دوستانه» نسبت به

افرادی که از لحاظ ژنتیکی در مرتبه اول قرار دارند، به مراتب بیشتر است تا نسبت به افراد مرتبه پنجم.
 □ صرف نظر از پایه ژنتیکی، شباهت و زمینه اجتماعی یکسان می تواند به علاقه و دوستی دو طرفه و نهایتاً «اعمال دیگر دوستانه» بیشتر منتهی گردند.

○ تحول اخلاقی

در سطح نظری، دیدگاههای متعددی وجود دارند که هر کدام کنش خاصی از اخلاق را مورد توجه قرار داده اند. دیدگاه یادگیری که عمدتاً به بررسی رفتارهای اخلاقی آشکار پرداخته است، فرآیندهای یادگیری «تنبیه»، «پاداش» و «تقلید» از الگو را اساس شکل گیری رفتار اخلاقی فرض می کند. از دیدگاه گروه اجتماعی، از یکسو رفتار اخلاقی تابع فشارهایی است که از سوی اعضای گروه به فرد وارد می آید تا به شیوه خاصی رفتار کند و از سوی دیگر تابع نقش و مقامی است که فرد به صورت ارادی و یا اجباری بر عهده دارد. از زاویه «روان تحلیل گری»، پایگاه «فرامن»^{۲۰} که بعد از پایگاههای «بن»^۱ و «من»^۳ ظاهر می گردد، بنیان وجدان اخلاقی را تشکیل می دهد. در نهایت از دیدگاه «شناختی-تحولی نگر»، تحول اخلاق که ناشی از تقابل فرد و محیط است در راستای عوامل اجتماعی، عاطفی و شناختی قابل تبیین است. بدیهی است که نظام های اخلاقی «پیازه» و «کهلبرگ» در این چارچوب نظری به بررسی جنبه شناختی اخلاق، یعنی قضاوت و یا استدلال اخلاقی پرداخته اند.
 اخیراً، براساس کار «توما»^{۲۱}، «رست»^{۱۷} و دیگران (۱۹۹۱)، پژوهشهایی که توسط «ما»^{۱۲} به منظور بررسی تحول قضاوت اخلاقی انجام گرفته اند، سطوح و مراحل اخلاق در نظام «کهلبرگ»، در چهار سطح زیر، گروه بندی شده است:

۱. سطح پیش قراردادی (مرحله اول و دوم کهلبرگ).
 ۲. سطح انتظارات متقابل، نسبیّت ها و عدالت بین فردی (مرحله سوم کهلبرگ).
 ۳. سطح وجدان و اصول اجتماعی (مرحله چهارم کهلبرگ).
 ۴. سطح پس قراردادی (مرحله پنجم و ششم کهلبرگ).
- بر این اساس وی توانسته است، ارتباط تحول اخلاقی را با عوامل اجتماعی گرا، روابط انسانی و گرایش دیگر دوستانه بررسی کرده، و نتایج جالب توجهی را ارائه دهد.

● سوابق تحقیق

از زمانی که نظام اخلاقی «پیازه» پایه ریزی شده، و آنگاه که کهلبرگ آن نظام را بسط داده است، پژوهش های متعددی در قلمرو اخلاق به شیوه علمی انجام شده اند. این پژوهش ها، عملاً در حد خطوط کلی حول سه محور عمده متمرکز شده اند:

الف - پژوهش های مبتنی بر کنش رفتار اخلاقی

هر چند این پژوهش ها از لحاظ زمان شناختی بعد از پژوهشهایی که بر جنبه های شناختی تاکید داشته، انجام شده اند، اما اندیشه انجام این پژوهش ها در زمینه رفتار اخلاقی، ریشه در تفکر پژوهشگرانی دارد که از یکسو انتظار ندارند بین رفتار و قضاوت اخلاقی ارتباط وجود داشته باشد، بنابر این، در جستجوی عامل تعدیل کننده ای هستند که براساس آن این دو کنش اخلاقی را به یکدیگر نزدیک سازند از سوی دیگر، پژوهشگرانی سعی داشته اند، صرفاً به بررسی رفتار اخلاقی بپردازند بنابر این پژوهشهای متعددی (توما و دیگران، ۱۹۹۱؛ فارنهایم، ۱۹۸۸؛ «بندورا»^۲، ۱۹۶۹، «میشل»^{۱۳} و دیگران، ۱۹۷۶ و ...) در مورد کنش رفتاری اخلاق انجام شده اند که کوشش کرده اند، برای تبیین اخلاق به رفتار آشکار متوسل شوند. افزون بر این پژوهشهای متعددی (اکرمی، ۱۳۷۱؛ کولگان و دیگران، ۱۹۸۱ و ...) نیز در زمینه رفتارهای بزهکارانه و ضد اجتماعی به عنوان رفتارهای غیر اخلاقی انجام شده اند تا از این رهگذر، برای رفتار اخلاقی تبیینی حاصل شده باشد.

نتیجه آنکه، علیرغم تعدد تحقیق هایی که ذکر آنها رفت، نمی توان گفت که پیوستگی بین رفتار و استدلال اخلاقی، کامل است، بلکه آنچه مهم به نظر می رسد توجه به عوامل بنیادی است که به منزله عوامل تعدیل کننده بین این دو کنش نقش اساسی

ایفا می کنند تا روابط مستحکم تر گردد.

ب - پژوهش های مبتنی بر جنبه های شناختی اخلاق

نخستین پژوهش هایی که توسط پیاز (۱۹۳۲) و سپس کهلبرگ (۱۹۶۹) انجام شده، به ارایه دو نظام اخلاقی منجر گردیده اند. نظامی که در آن از یکسو اخلاق حاصل تعامل ذهن فرد و محیط به معنای وسیع کلمه است و از سوی دیگر به جنبه های اجتماعی و عاطفی سخت وابسته است. با این حال، براساس نتایج پژوهش های متعددی (لی^{۱۱}، ۱۹۷۱، فینگر^{۱۲} و دیگران ۱۹۹۲، والکر^{۱۳} و دیگران، ۱۹۹۱؛ کیزی^۹ و دیگران، ۱۹۷۴؛ هافمن^۶، ۱۹۷۰؛ رست^{۱۷}، ۱۹۷۹؛ ما، ۱۹۹۱، ۱۹۹۲، ۱۹۹۳) که در مورد کنش شناختی اخلاق یعنی قضاوت و استدلال اخلاقی انجام شده اند، می توان گفت:

- سطح استدلال اخلاقی و افزایش سن با یکدیگر مرتبطند.
- تاثیر ساخت های شناختی و هوش در تحول قضاوت اخلاقی مسلم است.
- شرکت در فعالیت های گروهی و اجتماعی، پذیرش نقش و حل مسایل گروه بر تحول اخلاقی نقش پر اهمیتی ایفا می کنند.

ج - پژوهش های مبتنی بر کنش عاطفی اخلاق

در واقع، این گونه پژوهش ها از یک طرف به جنبه های عاطفی، احساسی، همدردی، دیگر دوستی و در کل بر رفتارهای اجتماعی گرا تاکید داشته اند و از طرف دیگر پژوهش های متعدد دیگری نیز انجام شده اند که بر دو جنبه یا بیشتر از کنش های اخلاقی تمرکز داشته اند. به عبارت دقیق تر پژوهش هایی که در جستجوی ارتباط دو کنش مهم اخلاقی یعنی کنش شناختی و عاطفی آن انجام شده اند. در این راستا سعی پژوهشگران بر این بوده است تا رابطه دیگر دوستی و قضاوت اخلاقی را مورد بررسی قرار دهند.

براساس نتایج این تحقیقات (ایگلای و کرولی، ۱۹۸۶، استاب^{۱۹} و دیگران، ۱۹۷۵؛ راشتون، ۱۹۸۰؛ هریس^{۲۰}، ۱۹۷۶، ماولانگ، ۱۹۹۲؛ ما، ۱۹۸۵ a، ۱۹۸۵ b، ۱۹۸۵ c، ۱۹۹۳ a، ۱۹۹۳ b) می توان گفت:

- اکثر محققان، بر این نکته اتفاق نظر دارند که موقعیتهای مختلف، سطح گرایش دیگر دوستی را دگرگون می سازند.
- وجود یک شخصیت دیگر دوست که بتواند در تمام موقعیت ها، گرایش دیگر دوستانه یکسانی از خود بروز دهد، مورد تایید قرار نگرفته است.
- در مورد اینکه دیگر دوستی با سن افزایش می یابد، یافته قاطعی در دست نیست.
- نوع وجهت تعامل بین فردی، یعنی سلسله مراتب روابط انسانی، سطح گرایش دیگر دوستی را دستخوش تغییر قرار می دهند.

- اکثر مؤلفان معتقدند، عوامل فرهنگی- اجتماعی نقش پر اهمیتی در افزایش سطح دیگر دوستی ایفا می کنند.
- سطح قضاوت اخلاقی و گرایش دیگر دوستی در ارتباط مثبت با هم هستند.

● فرآیند روش شناختی

از جمله هدف های عمده این پژوهش، مشخص کردن «تحول اخلاقی» و دیگر دوستی نوجوانان سرآمد و عادی است، همچنین هدف این پژوهش بررسی عوامل متعددی همچون، «هوش»، «موقعیت ها»، «روابط انسانی»^۷ و تحول اخلاقی در «دیگر دوستی»^۱ است بنابر این فرضیه های زیر مورد بررسی قرار گرفته اند:

۱. گونه های مختلف موقعیت ها که مستلزم نوع خاص «دیگر دوستی» است، بر «سطح گرایش دیگر دوستی» اثر معنادار می گذارند.

۲. جهت‌ها در «روابط انسانی»، سبب تغییر معنادار در گرایش دیگر دوستی می‌گردد.
۳. افراد سرآمد و عادی در گرایش دیگر دوستی با یکدیگر تفاوت دارند.
۴. تحول اخلاقی افراد سرآمد، بر حسب افزایش سن، تغییر می‌کند.
۵. افراد سرآمد در زمینه تحول اخلاقی نسبت به افراد عادی برترند.
۶. فردی که از سطح تحول اخلاقی بالاتری برخوردار است، گرایش زیادتری برای کمک به دیگران دارند.
۷. با افزایش نمره هوش، سطح گرایش دیگر دوستی افزایش می‌یابد.

○ گروه نمونه

از بین دو نوع جامعه تحقیق دانش‌آموزان دوم راهنمایی، اول و سوم دبیرستان مدارس دولتی و دانش‌آموزان سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان در دو مرکز آموزشی «زینب (س)» و «شهید بهشتی» شهری منتخب سازمان از مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۷، تهران، شهرری و ورامین، دو گروه دانش‌آموز عادی (۱۲۰ آزمودنی، ۶۰ پسر و ۶۰ دختر) و سرآمد (۱۲۰ آزمودنی، ۶۰ پسر و ۶۰ دختر) بطور تصادفی انتخاب شدند. البته، باید متذکر شد، در آغاز سعی شده بود به منظور جور کردن دانش‌آموزان سرآمد و عادی، سن و رشته تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی کنترل گردد تا پس از اجرای تست‌ها، دو گروه در چند متغیر دیگر تا حد امکان جور گردند.

○ ابزار آزمایشی

ابزارهایی که در این آزمایش بکار گرفته شده‌اند، به ترتیب اجرا عبارتند از:

۱- تست هوش عمومی: این تست فرم «ب» از مقیاس «دو» تست هوشی «کتل» است که در این پژوهش از آن استفاده شد. چون ضرورت‌های عملی ایجاب می‌کرد اجرای یک قسمت بیش از نیم ساعت طول نکشد، صرفاً فرم «ب» آن تست بکار برده شد، تا این مهم امکان پذیر گردد. بنابراین، نوجوان سرآمد در این پژوهش به کسی اطلاق می‌گردد که در این تست بهره هوش بالاتر از ۱۲۰ داشته باشد.

۲- تست تحول اخلاقی: این تست در سال ۱۹۸۱ توسط «ما» به منظور اندازه‌گیری جهت‌گیری دیگر دوستی و قضاوت اخلاقی ساخته شده است. در این پژوهش، از فرم «ب» این تست استفاده گردیده است. در تست تحول اخلاقی، سه معمای اخلاقی با سه موقعیت مختلف وجود دارند. اول معمای «سارق جوان» دوم «آزادی بیان» و سوم «سرقت بانک». در نهایت باید گفت که هر معمای این تست، با یک ردیف پرسش به صورت قسمت اول و دوم تقسیم گردیده است. قسمت اول، جهت‌گیری دیگر دوستانه را مورد سنجش قرار می‌دهد که مبین سطح گرایش عاطفی فرد است و در یک مقیاس پنج درجه ای از «کاملاً بله» تا «کاملاً نه» دامنه دارد. قسمت دوم سؤال‌های این تست سطح استدلال اخلاقی فرد را می‌سنجد. آزمودنی باید به جملات این قسمت که در یک مقیاس پنج درجه ای از «خیلی مهم» تا «بی‌اهمیت» قرار دارند، پاسخ دهد.

۳- فهرست وضعیت شخصی، پایه تحصیلی، سال و ماه تولد، سن و جنس و سؤال‌هایی در مورد خصوصیات والدین آزمودنی که به منظور جور کردن دو گروه سرآمد تهیه گردیده است.

● بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به فرضیه‌هایی که در این پژوهش طرح شده‌اند، از آزمون t جهت بررسی تفاوت میانگین‌های دو گروه مستقل استفاده شده است. همچنین سعی شده است تا از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه جهت مقایسه دو یا بیش از دو میانگین استفاده گردد. افزون بر این برای آزمون همبستگی دو متغیر، روش معنادار پیرسن بکار بسته شده است با این حال، این پژوهش به نتایج پر

ارزشی منتهی گردیده است که در سطور بعد آنها را مورد بحث قرار می‌دهیم.

○ یافته‌های تحول اخلاقی

یکی از یافته‌های این پژوهش، وجود تفاوت بین سنین مختلف از لحاظ تحول اخلاقی است. البته باید خاطر نشان ساخت که تفاوت سنین مختلف از لحاظ تحول اخلاقی فقط در افراد سرآمد معنادار شده است ($p < 0/01$). اما در افراد عادی با وجود روند افزایش سطح تحول اخلاقی براساس سن، تفاوت معنادار مشاهده نشده است. یافته‌ای که با پژوهش‌های متعدد (هاروور، ۱۹۳۴؛ جانسن، ۱۹۶۲؛ به نقل از لی، ۱۹۷۱) درباره همگرایی بین سطح تحول اخلاقی و افزایش سن یکسو هستند. با این وجود، یک تبیین اساسی برای عدم وجود تفاوت معنادار در افراد عادی از لحاظ تحول اخلاقی این است که به نظر می‌رسد، آنها به سبب ضعف در عملکرد، تصمیم‌گیری و حل مسائل گروهی و نیز اعتماد به نفس پایین در گروه‌های اجتماعی کمتر شرکت می‌کنند. چه در یکی از آخرین پژوهش‌ها (فینگر و دیگران، ۱۹۹۲) نشان داده شده است که حتی بعد از نوجوانی، یعنی با آغاز جوانی نیز سطح استدلال اخلاقی دستخوش تغییر می‌گردد. تغییری که از میزان شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه و گروهی ناشی می‌گردد.

جدول ۱- میانگین شاخص‌های تحول اخلاقی، روابط انسانی، دیگر دوستی و هوش به تفکیک پایه تحصیلی، سن و جنس در گروه نمونه عادی.

شاخص	دوم راهنمایی			اول دبیرستان			سوم دبیرستان		
	دختر	پسر	کل افراد	دختر	پسر	کل افراد	دختر	پسر	کل افراد
	تعداد=۲۰	تعداد=۲۰	تعداد=۴۰	تعداد=۲۰	تعداد=۲۰	تعداد=۴۰	تعداد=۲۰	تعداد=۲۰	تعداد=۴۰
تجاذبات اخلاقی	۰/۰۸	۰/۱۴	۰/۱۱	۰/۱۰۴	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۱۹	۰/۱
هوش	۲۷/۸۵	۲۷/۴۴	۲۷/۷	۲۹/۱۵	۲۵/۷	۲۷/۴۲	۳۰/۵۵	۳۰/۲	۳۰/۳۷
روابط انسانی	RB _۱	۴/۴۲	۴/۳	۴/۳۶	۴/۶۵	۴/۶۶	۴/۷	۴/۷۷	۴/۷۳
	RB _۲	۴/۳	۴/۳۵	۴/۳۲	۴/۵	۴/۶۲	۴/۲۵	۴/۳	۴/۲۷
	RB _۳	۳/۷	۳/۸۵	۳/۷۷	۳/۶۵	۳/۷	۳/۶۵	۴/۱	۳/۸۷
	RB _۴	۴/۲۶	۴/۱۴	۴/۱۸	۳/۸۵	۴/۰۷	۳/۲۶	۳/۴۸	۳/۳۷
	RB _۵	۳/۸۵	۲/۸۵	۳/۳۵	۲/۸۵	۲/۹	۲/۹۵	۳/۴۵	۳/۲
	RBT	۴/۰۸	۳/۹۳	۴/۰۱	۳/۸۵	۴/۰۱	۳/۷۸	۴/۰۵	۳/۹۱
فداکاری	RD _۱	۴/۱	۴/۲۲	۴/۱۶	۴/۲	۴/۲۷	۳/۹۲	۴/۶۵	۴/۶۶
	RD _۲	۳/۹	۴/۳	۴/۱	۴/۳۵	۴/۰۷	۳/۹۵	۴	۳/۹۷
	RD _۳	۳/۸	۴/۱	۳/۹۵	۳/۸	۴	۳/۵	۳/۶۵	۳/۵۷
	RD _۴	۳/۸۵	۳/۹	۳/۸۷	۳/۹۵	۳/۶	۳/۵۵	۳/۹	۴/۷۲
	RD _۵	۳/۸	۴/۱	۳/۹۵	۴/۵	۴/۳۵	۴/۱۵	۴/۳	۲/۲۲
	RDT	۳/۹۱	۴/۱۱	۴/۰۱	۴/۱۷	۳/۹۸	۳/۱۸	۳/۹۹	۳/۹
دیگر دوستی	RE _۱	۳/۰۲	۳/۳۵	۳/۱۸	۳/۲	۳/۱۵	۳/۵۲	۳/۷۷	۳/۶۴
	RE _۲	۳/۰۲	۲/۹۷	۲/۹۹	۳/۱۲	۳/۱۵	۳/۱۵	۳/۵	۳/۳۲
	RE _۳	۲/۸۵	۲/۰۲	۲/۹۳	۲/۸۷	۲/۸	۲/۰۲	۲/۳۷	۲/۱۹
	RE _۴	۳/۱۵	۲/۷۲	۲/۹۳	۲/۵	۲/۸۵	۲/۷۷	۳/۰۷	۲/۹۲
	RET	۳/۰۲	۲/۹۶	۲/۹۹	۲/۸۸	۲/۹۶	۲/۹۲	۳/۴۴	۳/۲۸

دیگر یافته این تحقیق، وضع برتر افراد سرآمد در مقایسه با افراد عادی از لحاظ تحول اخلاقی است. (جدول دو ملاحظه شود). این برتری تنها در دختران سرآمد با ($p < 0.05$). در واقع در پاره ای از پژوهش‌ها (هافمن، ۱۹۷۰) به این نکته اشاره شده است که بین هوش و مراحل تحول اخلاقی ارتباط وجود دارد.

اما در اینجا، باید متذکر شد که چنین ارتباطی مبین توازی تحول اخلاقی و بهره هوش نیست، بلکه می‌توان گفت افرادی که از بهره هوش بالاتری برخوردارند، در مقایسه با آنهایی که بهره هوش پایین تری از متوسط یا متوسط برخوردارند، مراحل استدلال اخلاقی را سریع تر پشت سر می‌گذارند.

جدول ۲- میانگین شاخص های تحول اخلاقی، روابط انسانی، دیگر دوستی و هوش به تفکیک پایه تحصیلی، سن و جنس در گروه نمونه سرآمد.

شاخص	دوم راهنمایی			اول دبیرستان			سوم دبیرستان		
	دختر	پسر	کل افراد	دختر	پسر	کل افراد	دختر	پسر	کل افراد
	تعداد= ۲۰	تعداد= ۲۰	تعداد= ۴۰	تعداد= ۲۰	تعداد= ۲۰	تعداد= ۴۰	تعداد= ۲۰	تعداد= ۲۰	تعداد= ۴۰
TJ قضاوت اخلاقی	۰/۰۱	۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۲۷	۰/۱۳	۰/۲	۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۱۰
G هوش	۳۵/۱	۳۸/۵۵	۳۶/۸۲	۳۶/۹	۳۸/۳	۳۷/۶	۴۰/۰۵	۴۰/۳	۴۰/۱۷
روابط انسانی	RB _۱	۴/۵۵	۴/۲	۴/۳۷	۴/۷۵	۴/۶۶	۴/۷۲	۴/۵	۴/۶۱
	RB _۲	۴/۸	۴/۲۵	۴/۳۲	۴/۴	۴/۶۲	۴/۵۵	۴/۴	۴/۴۷
	RB _۳	۴	۳/۹۵	۳/۹۷	۳/۶	۳/۶۷	۳/۸	۳/۹۵	۳/۸۷
	RB _۴	۳/۹	۳/۵۴	۳/۷۲	۳/۴۸	۳/۹۶	۳/۴۰	۳/۹۱	۳/۶۵
	RB _۵	۳/۲	۲/۸۵	۳/۰۲	۳/۲	۳/۷	۳/۳	۳/۰۵	۳/۱۷
	RBT	۴/۰۷	۳/۷۷	۳/۹۲	۳/۸۷	۴/۱۲	۳/۹۶	۳/۹۷	۳/۹۶
فداکاری	RD _۱	۴/۱۲	۴/۴۲	۴/۲۷	۳/۹۷	۴/۰۱	۳/۸۷	۴/۲۷	۴/۰۷
	RD _۲	۳/۹۵	۴/۴	۴/۱۷	۳/۹	۴/۱	۴	۳/۸	۳/۹
	RD _۳	۴/۵۵	۴/۳۵	۴/۴۵	۳/۹۵	۳/۹۵	۳/۵۵	۳/۸۵	۳/۷
	RD _۴	۴/۳	۴/۱	۴/۲	۳/۷۵	۳/۶۵	۳/۴	۳/۳۵	۳/۳۷
	RD _۵	۴/۱۵	۴/۶۵	۴/۴	۴/۵	۴/۴۷	۴/۴	۴/۲۳	۴/۲۱
	RDT	۴/۲۰	۴/۳۷	۴/۲۸	۳/۹۷	۳/۹۷	۳/۸۵	۳/۹۰	۳/۸۷
دیگر دوستی	RE _۱	۳/۳۵	۳/۳۲	۳/۳۳	۳/۳۷	۳/۳۳	۳/۵۲	۳/۷۵	۳/۶۳
	RE _۲	۳/۲	۳/۰۷	۳/۱۳	۳/۰۷	۳/۲۲	۳/۱۲	۳/۶۲	۳/۳۷
	RE _۳	۳/۰۲	۲/۸	۲/۹۱	۲/۹	۳/۰۳	۲/۹۵	۳/۴۵	۳/۲
	RE _۴	۳/۰۲	۳/۵۷	۲/۸	۲/۶۲	۳/۷۷	۲/۸	۳/۳۷	۳/۰۸
	RET	۳/۱۶	۲/۹۶	۳/۰۶	۲/۹۹	۳/۱۹	۳/۰۹	۳/۵۳	۳/۳۱

○ یافته‌های دیگر دوستی

تأثیر موقعیت های مختلف بر سطح گرایش دیگر دوستی، یکی از یافته های این پژوهش است. ($p < 0.01$). محققان زیادی بر این نکته اتفاق نظر دارند که موقعیت های مختلف، سطح گرایش دیگر دوستی را متحول می‌کنند. «ما» (۱۹۹۳) معتقد است که موقعیت‌ها که مستلزم نوع خاصی از دیگر دوستی اند، به عنوان یک اهرم اصلی سطح گرایش دیگر دوستی را دگرگون می‌سازند.

یافته دیگر این پژوهش، این است که جهت گرایش دیگر دوستانه، یعنی روابط انسانی سطح گرایش دیگر دوستی را بطور معنادار متاثر می‌کند ($p < 0.01$). به بیان دیگر روابط انسانی با یک روند کاهش محسوس براساس سلسله مراتب روابط انسانی است. یافته ای که با نتایج پژوهش‌های مختلف (باراش، ۱۹۷۷؛ کارتر، ۱۹۸۰؛ به نقل از «ما» ۱۹۹۲) همگرایی دارد. با این همه، به نظر می‌رسد که دو متغیر موقعیت و روابط انسانی که دیگر دوستی را متاثر کرده اند، در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند. چه در پژوهش‌های مختلف نشان داده شده است که افراد با غریبه‌ها در موقعیت‌هایی مختلف، یکسان رفتار می‌کنند، اما در برابر دوستان و نزدیکان گرایش‌های دیگر دوستانه و متفاوتی از خود نشان می‌دهند. یک تبیین اساسی برای تاثیر روابط انسانی بر سطح

گرایش دیگر دوستی، این است که افراد نسبت به خصایص و ویژگیهای روانی بستگان و دوستان آگاهی بیشتری دارند. به عبارت دیگر با توجه به آگاهی که افراد از وضع روانی دوستان و بستگان خود در هنگام استیصال دارند، بهتر و بیشتر نسبت به آنها گرایش دیگر دوستی نشان می‌دهند.

در این پژوهش نشان داده شده است که نمره هوش و گرایش دیگر دوستی در ارتباط مثبت و معنادار هستند. به عبارت دیگر با بالا رفتن نمره هوش، سطح گرایش دیگر دوستی نیز افزایش می‌یابد ($p < 0/05$). در این راستا، یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش، وضع برتر افراد سرآمد در مقایسه با افراد عادی از لحاظ گرایش دیگر دوستی است. براساس پژوهش راشتون (۱۹۸۰)، که از ارتباط مثبت بین نمره هوش و دیگر دوستی سخن به میان آمده است، تحقیق هریس (۱۹۷۶) از یکسو و پژوهش «ما» (۱۹۹۳) از سوی دیگر نشان داده اند که بین هوش و سطح گرایش دیگر دوستی ارتباط وجود دارد. پس به نظر می‌رسد، که هوش بالا با افزایش درک واقعیت و احساسات دیگران و توانایی باین احساسات نسبت به دیگران توأم باشد.

بالاخره، آخرین یافته این تحقیق آن است که فردی که از سطح تحول اخلاقی بالاتری برخوردار است، گرایش زیادتری برای کمک به دیگران از خود نشان می‌دهد.

این یافته با نتایج پژوهش‌های متعددی (ما، ۱۹۸۹، هریس، مایسن و راترفورد، ۱۹۷۶) در مورد ارتباط مثبت تحول اخلاقی و گرایش دیگر دوستی همگرایی دارد. اما باید متذکر شد که براساس یافته‌های این پژوهش‌ها، دو متغیر اساسی، یکی جهت روابط انسانی بین کمک کننده و دریافت کننده کمک و دیگری موقعیت‌ها، ارتباط تحول اخلاقی و گرایش دیگر دوستانه را متحول می‌سازند. افزون بر این، متغیر دیگری، یعنی نوع فداکاری به خاطر دیگران، نیز سطح گرایش دیگر دوستی را متاثر می‌کند. جدولهای یک تا سه میانگین شاخص های تحول اخلاقی، روابط انسانی، دیگر دوستی و هوش را در دو گروه «سرآمد» و «عادی» نشان می‌دهند.

جدول ۳- میانگین شاخص های تحول اخلاقی، روابط انسانی، دیگر دوستی و هوش به تفکیک پایه تحصیلی، سن و جنس در گروه نمونه سرآمد و عادی.

شاخص	سرآمد			عادی		
	دختر	پسر	کل افراد	دختر	پسر	کل افراد
	تعداد= ۶۰	تعداد= ۶۰	تعداد= ۱۲۰	تعداد= ۶۰	تعداد= ۶۰	تعداد= ۱۲۰
قضایات اخلاقی	۰/۱۵	۰/۰۱	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱
هوش	۳۷/۳۵	۳۹/۰۵	۳۸/۲	۲۹/۱۸	۲۷/۸۱	۲۸/۴۹
روابط انسانی	RB _۱	۴/۶۷	۴/۵۸	۴/۵۹	۴/۵۷	۴/۵۸
	RB _۲	۴/۵۸	۴/۴۸	۴/۳۵	۴/۴۶	۴/۴۰
	RB _۳	۳/۸	۴/۰۱	۳/۶۶	۳/۸۸	۳/۷۷
	RB _۴	۳/۵۹	۳/۹۴	۳/۷۹	۳/۸۸	۳/۸۳
	RB _۵	۳/۲۳	۳/۲۵	۳/۲۱	۳/۰۶	۳/۱۳
	RB _۶	۳/۹۶	۴/۰۴	۳/۹۰	۳/۹۹	۳/۹۴
	RBT		۴			
فداکاری	RD _۱	۳/۹۸	۴/۲۴	۴/۱۱	۴/۲۱	۴/۱۴
	RD _۲	۳/۹۵	۴/۱۷	۴/۰۹	۴/۰۳	۴/۰۴
	RD _۳	۴/۰۱	۴/۰۵	۴/۰۳	۳/۹۱	۳/۸
	RD _۴	۳/۸۱	۳/۷۱	۳/۷۶	۳/۸	۳/۷۹
	RD _۵	۴/۳۵	۴/۵	۴/۴۲	۴/۲	۴/۱۷
	RD _۶	۴/۰۱	۴/۰۸	۴/۰۴	۴/۰۳	۳/۹۹
	RDT					
دیگر دوستی	RE _۱	۳/۴۱	۳/۴۵	۳/۴۳	۳/۴۱	۳/۲۳
	RE _۲	۳/۱۳	۳/۳۵	۳/۲۴	۳/۲۱	۳/۱۵
	RE _۳	۲/۹۶	۳/۱۴	۳/۰۵	۳/۰۶	۲/۹۸
	RE _۴	۲/۸۱	۲/۹۵	۲/۸۸	۲/۸۸	۲/۸۴
	RE _۵	۳/۰۸	۳/۲۲	۳/۱۵	۳/۱۲	۳/۰۶
	RET					

● نتیجه نهایی

در مجموع می‌توان گفت همه این عوامل، یعنی موقعیت‌ها، روابط انسانی، هوش و تحول اخلاقی در گرایش دیگر دوستی اثر

می‌گذارند. این نتیجه به خوبی دو مسئله اساسی‌تر را روشن می‌نماید :

اولاً اخلاق از سه کنش اساسی بهره برده است، کنش شناختی (قضاوت و پیش بینی نتایج آن)، کنش عاطفی (هم احساسی، همدردی و دیگر دوستی) و کنش اجتماعی (نوع و جهت روابط با دیگران)، بنابراین وحدت این سه کنش در یک راستا، سبب ایجاد رفتار اخلاقی در هر موقعیتی می‌گردد.

ثانیاً اخلاق به همان اندازه که یک مفهوم اجتماعی و فلسفی است و در زندگی اجتماعی معنا می‌یابد از یک مفهوم مذهبی نیز برخوردار است. بنابر این پذیرش این فرض که، سقف آرمان های اخلاقی در تمام فرهنگ ها یکسان است، سخت می‌نماید.

یادداشتها

- | | | |
|------------------------|-----------------------|--------------------|
| ۱- Altruism | ۲- Bandura,A. | ۳- Ego |
| ۴- Finger,W. | ۵- Harris.S. | ۶- Hoffman, M. L. |
| ۷- Human relationships | ۸- Id | ۹- Keasy,C.K. |
| ۱۰- Kurtines.W.M. | ۱۱- Lee,L.C. | ۱۲- Ma,H.K. |
| ۱۳- Mischel,W. | ۱۴- Moral development | ۱۵- Perry,D. G. |
| ۱۶- Prosocial | ۱۷- Rest, J. R. | ۱۸- Rushton, J. P. |
| ۱۹- Staub, E. | ۲۰- Super ego. | ۲۱- Thoma, S. J. |
| ۲۲- Walker,L.J. | | |

